

با بستر رفتن



Ir para a cama

✎ Espen Stranger-Johannessen

👤 Aakanee

💬 Shir Ahmad Laiwal

📊 2

💬 دری prs / português pt

او بسیار خسته است.

...

Ele está muito cansado.



این وقت بستر رفتن است.

...

Está na hora de ir para a cama.



او به تشاب می رود.



...

Vai à casa de banho.



او دندان ھی خود را بورس می کند.

...

Escova os dentes.

او به داخل لٲق خواب می رود.

...

Vai para o quarto.





او گلابی خود را می کشد.

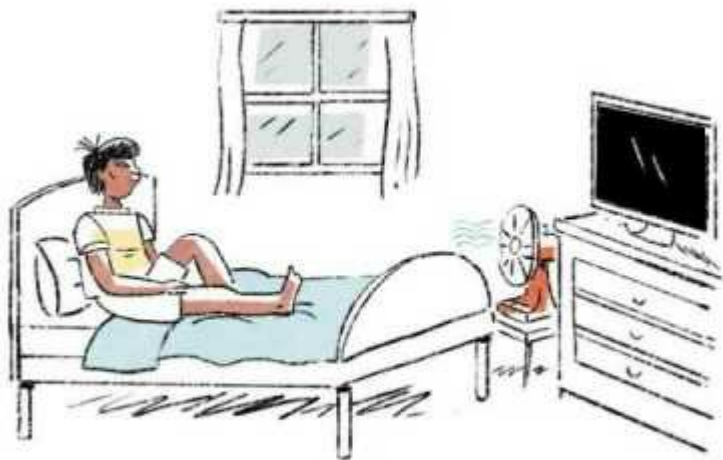
...

Tira a roupa.

او در تخت مي نشيد.

...

Senta-se na cama.

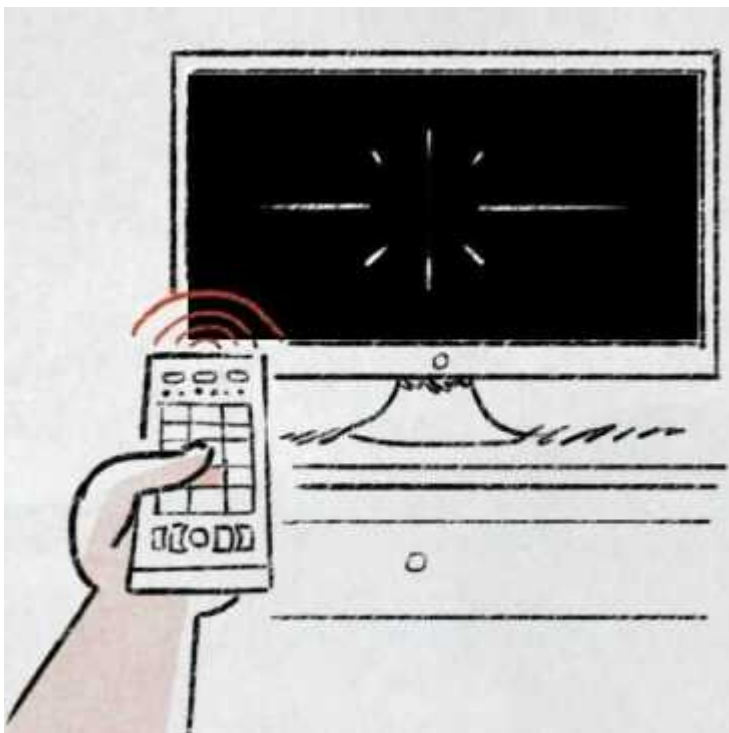




او تلویزیون را می بیند.

...

Vê televisão.



او تلویزیون را خاموش می کند.

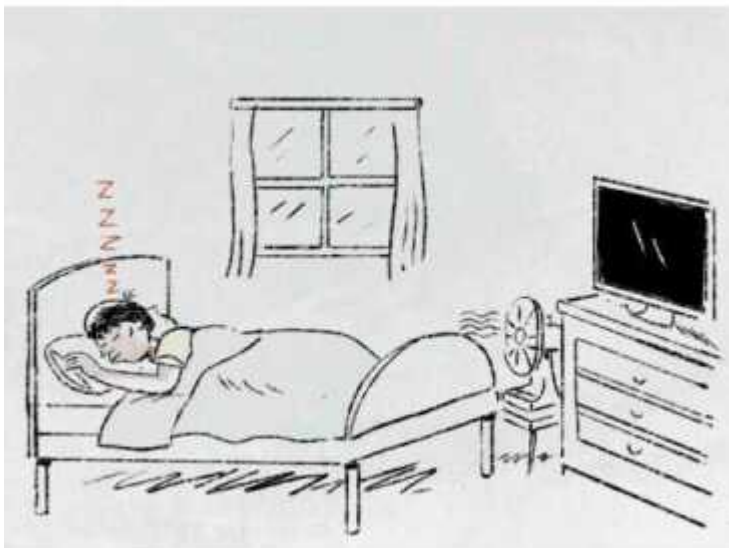
...

Desliga a televisão.

او به خواب می رود.

...

Vai dormir.



او خواب می بیند.



...

Sonha.



LIDA Stories

lidastories.net

با بستر رفتن

Ir para a cama

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal (prs), Susana Coimbra (pt)

